

مطالعه ساختاری - تطبیقی ده‌نامه‌های ادب فارسی

محبوبه خراسانی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

چکیده

هدف این پژوهش، تحلیل و شناخت دقیق و علمی آثاری است که در تاریخ ادبیات فارسی به نام ده‌نامه شناخته شده‌اند. ما از آغاز با دو پرسش بنیادین روبه‌رو بوده‌ایم: نخست اینکه ده‌نامه چیست؟ دوم اینکه سرچشمه آنها کجاست؟ برای شناخت، تعریف ده‌نامه‌ها و دریافتن اینکه امکان طبقه‌بندی به مثابه یک نوع ادبی را دارند یا نه از عوامل روش‌محور نقد ساختگرا بهره بردیم و مطالعه ریشه‌شناختی این نوع را با بررسی تاریخ‌محور منظومه‌های فارسی دنبال کردیم؛ یعنی به نوعی تلفیق مطالعه همزمانی و درزمانی.

ده‌نامه از دید این تحقیق، منظومه‌ای است مستقل و روایی، که به لحاظ ساختار، دو قالب مثنوی و غزل را تلفیق کرده است. قهرمان یعنی عاشق، نامه‌هایی را با مضمون عاشقانه به معشوق می‌نویسد و معشوق بدانها پاسخ می‌دهد. این نامه‌ها را پیکری به گیرنده می‌رساند. روایت از عاشق‌شدن قهرمان آغاز می‌شود و با پشت سر گذاشتن کنشهای میانی به کنش پایانی (وصال) می‌رسد.

از بُعد مطالعه اصل و خاستگاه می‌توان گفت، عشاق‌نامه عراقی سرآغاز ده‌نامه‌سرایی به عنوان نوعی مستقل است، ولی سرچشمه‌های آن را باید منظومه‌های ویس و رامین و ورقه و گلشاه دانست. غیر از عراقی، همام، اوحدی، ابن نضوح، عبید زاکانی، رکن صاین سمنانی، شاه شجاع، ابن عماد و حریری ده‌نامه سروده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ده‌نامه در ادب فارسی، انواع ادبی فارسی، ساختارگرایی در ادبیات، مطالعه تطبیقی در ادبیات، شعر کلاسیک فارسی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۷

مقدمه

کاربرد الگوهای روش‌شناختی نظریه ادبی مدرن در حوزه ادبیات کهن همیشه با دشواریهایی روبه‌رو بوده؛ اما با تاسی به نظر دکتر شفیعی کدکنی که معتقد است: «بهترین کار در حوزه نقد ادبی روزگار ما این است که بتوان آرای منتقدان اروپایی را بدرستی با آثار فارسی تطبیق داد» بر آن شدیم تا به تحلیل ده‌نامه‌ها از دید مطالعات ساختاری بپردازیم؛ به این دلیل روشن که الگوی روشمند نقد ساختگرایی با هدف این پژوهش که تعیین و تعریف و مقایسه ژانر مورد نظر ماست، بسیار سازگار است.

دو پرسش بنیادین در این زمینه هست: نخست اینکه ده‌نامه چیست؟ دوم اینکه سرچشمه ده‌نامه‌ها کجاست؟ برای شناخت و تعریف ده‌نامه‌ها و دریافت امکان طبقه‌بندی آنها به مثابه یک نوع ادبی، از عوامل روش‌محور نقد ساختگرا بهره بردیم و مطالعه ریشه‌شناختی این ژانر را با بررسی تاریخ‌محور منظومه‌های فارسی دنبال کردیم؛ یعنی به نوعی به تلفیق مطالعه همزمانی و در زمانی دست زده‌ایم.

روش تحقیق

بررسیهای تطبیقی را به طور کلی می‌توان به دو دسته بررسیهای محتوایی و صوری-ساختی تقسیم کرد. این نوشته جزو دسته دوم تقسیم‌بندی می‌شود و سعی دارد علاوه بر بررسی ساختاری-تطبیقی ده‌نامه‌های ادب فارسی به شناخت دقیق و علمی این نوع ادبی بپردازد. به منظور رسیدن به ساخت نهایی ده‌نامه‌ها و تشخیص این نوع از آثار مشابه و در نهایت تعریف آن از آرای ولادیمیر پراپ استفاده شده که نمونه راستین مطالعه ریخت و ساخت روایت است.

از زمان ترجمه کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان پراپ از روسی بیش از نیم قرن می‌گذرد. در تمام این دوران مطالعات روایت‌شناسی بشدت تحت تأثیر مهمترین دستاورد وی یعنی روش پژوهشی وی بوده است. وی در زیر ظاهر رنگارنگ قصه‌ها، قوانین ثابتی را کشف کرد که همان فعلها و صفتهاست؛ کنش‌ها و صفت و نقش قهرمانان، تکرار شونده بود در حالی که چگونگی رفتار و نام قهرمانان، پیوسته تغییر می‌کرد. وی در یک‌صد قصه‌ای که بررسی کرده بود، سی و یک کنش و هفت قهرمان یافت و برای به دست دادن ساختار نهایی قصه‌ها به جای هر کنش نمادی را تعیین کرد و اشخاص را نیز در آن دخیل ندانست.

برای بررسی ده‌نامه‌ها و رسیدن به ساختار نهایی آنها ناگزیر باید کنشهای روایات بررسی شود. به پیروی از پراپ، نمادهایی برای هر کنش معلوم شد که عموماً برگرفته شده از حرف اول نام فارسی هر یک است؛ مثلاً برای نامه نوشتن نماد N نوشته، و برای هر بار تکرار به شماره کنار نماد افزوده شده است. برای واکنش قهرمان نماد سرگروه V در نظر گرفته، و با زیرگروه‌های مختلف نظیر بیقراری و نرم شدن دل و ناراحت شدن ترکیب شده، واکنش خاص قهرمان نشان داده شده است.

همچنین در جدول ساختاری - تطبیقی پایانی کنشهای هر منظومه به ترتیب رخ دادن در روایت در هرستون آمده است تا امکان مقایسه آنها برای خوانندگان آسان شود. نماد کنشهای اصلی با قدری دور و نزدیکی از هم در هرستون آمده است که بسادگی می‌توان آنها را ردیابی کرد ضمن اینکه نشانگر اشتراک ساختی این آثار نیز هست.

روایت‌شناسی ساختارگرا

ساختارگرایان معتقدند قواعدی هست که کارکرد ادبی را شکل می‌دهد و هیچ اثری را بیرون از آن قواعد ساختاری نمی‌توان تحلیل کرد. ماهیت هر چیز در بررسی مناسباتش با ساختاری تعیین می‌شود که در آن جای گرفته است. ساختارگراها می‌پندارند که ادبیات مجموعه‌ای است که قواعد پیدایش آن را صرفاً در خودش باید پیدا کرد و این قواعد در بین هر نوع و قالب ادبی مشترک است. این حکم تا درجه یافتن ساختار نهایی‌ای پیش می‌رود که همانا ساخت کارکرد ذهن آدمی در رویارویی با جهان بیرون است که لوی استروس در جستجوی آن بود (گرین، ۱۳۷۶: ص ۲۱۶).

نخستین نسل ساختارگرایان با اینگونه اندیشه‌ها می‌خواستند ساختار نهایی قصه‌های عامیانه (فولکلوریک) را پیدا کنند. پراپ و یولس و نسل بعدی، این روش پژوهش را منطبق بر روشهای علمی ادبیات می‌دانستند؛ برای مثال پراپ تمام عملکردهای قصه‌های پریان روسی را به سی و یک عملکرد محدود کرد. او در نهایت الگویی ریخت‌شناختی برای این نوع ادبی ارائه، و ادعا کرد که تمامی این قصه‌ها از توالی مشخصی پیروی می‌کند. به نظر ساختارگرایان روایت نوشتار، تفکر و همه گونه‌های دانش ما را پی‌ریزی و ساختاربنندی می‌کند در حالی که روایتها جدا و قابل تمایز است؛ عناصر مشخصی در میان آنها مشترک است. روایت را می‌توان به مثابه جنبه‌های درهم‌بافته‌ای از متون یا

سخن ادبی در نظر گرفت؛ روایت راهی است برای ترکیب کردن واحدهای زبان در ساختاری بزرگتر (Webster, 1993:p.30).

روایت‌شناسی یا مطالعه نظری روایت به طور کاربردی به عنوان دستور زبان روایت شناخته شده است. نخستین نظریه‌های مدرن روایت در روسیه اوایل قرن بیستم و با جریانی ایجاد شد که به عنوان فرمالیسم و عمدتاً با نام پراپ شناخته شد. بعدها رولان بارت در تکمیل کار پراپ، پرسید چگونه می‌توان روایتها را طبقه‌بندی کرد و الگویی به دست آورد که به درد ترسیم ویژگیهای اصلی روایت بخورد.

بارت این کار را به دو شیوه ممکن می‌دانست: یا اینکه روش استقرایی به کار گرفته شود که در آن روایات را تا آنجا که میسر است، بررسی، و ویژگیهایشان یادداشت شود یا به صورت قیاسی الگویی کلی برای آنها تدارک دید. رولان بارت در مقاله «درآمدی به تحلیل ساختاری روایتها» چنین شرح می‌دهد:

روایت‌های جهان بشمار است. روایت، نخستین و مشهورترین گوناگونی چشمگیر در نوع است. روایتها خودشان در میان اجزای مختلف توزیع می‌شوند. انگار همه مواد برای دریافت داستانهای انسان جور بوده است؛ قدرت انتقال یافتن به وسیله زبانی پیوندی، گفتاری یا نوشتاری، تصاویر متحرک یا ایستا، ایما و اشاره و آمیزه‌ای از همه این اجزا (Barthes, 1966: P 79).

پس روایت برای ادبیات بنیادی است و عنصر مرکزی نظریه ادبی به شمار می‌رود. این اصطلاح یا می‌تواند به شیوه‌ای تنگ‌دامنه و بیشتر فرمالیستی به کار گرفته شود یا در معنی گسترده و ایدئولوژیکی آن. درک شیوه‌هایی که روایت در آنها عمل می‌کند به ما کمک می‌کند تا چیزی از متون ادبی دستگیرمان شود که بیشتر شیوه‌های نقد سنتی قادر به فهم آن نبودند. روایت همچنین به ما کمک می‌کند تا متون و گونه‌های دیگری را از دانش تفسیر کنیم که در جهان اجتماعی و روابط ما جریان دارد. روایتها هم شیوه‌های فردی و هم شیوه‌های جمعی دیدن را فراهم می‌آورد و اغلب آنقدر تأثیرگذار است که ما از وجود آنها به‌مثابه روایت ناآگاهیم (وبستر، ۱۳۸۳: ص ۴۸).

در بررسی ده‌نامه‌ها نیز ما در پی طبقه‌بندی نوع کوچکی از روایت بودیم تا الگویی به دست آوریم که ویژگیهای اصلی منظومه‌های روایی ده‌نامه‌ای را مشخص کند و ضمن انتساب این آثار به الگوی روایتی خاص و رده‌بندی در ذیل نوع ادبی ده‌نامه‌سرایی، بتوان طوری آن را تعریف کرد که هم جامع و مانع باشد و هم متمایز از

دیگر روایتها شود. از دستاوردهای دیگر کاربست این روش، تشخیص ده‌نامه‌های اصیل از منسوبهاست که در نوشتاری دیگر به تفصیل طرح خواهد شد. هرگونه روایت فرق نمی‌کند چه گزارش خواب دیشبمان باشد چه حکایت مادر بزرگ یا کارتونی در برنامه کودک یا لطیفه‌ای که در اتوبوس می‌شنویم، همگی بر پایه گزارش داستانی قوام گرفته، و روایت‌مند است. به همین دلیل از دوران فرمالیسم به بعد، شناخت ساختار روایی داستان از مهمترین مقوله‌های پژوهش ادبی به حساب می‌آید. کلود برمون سه پایه اصلی برای هر نوع روایتی بر می‌شمارد:

۱- وضعیت متعادل اولیه (A) توصیف می‌شود.

۲- امکان دگرگونی وضعیت (A) پدیدار می‌شود.

۳- وضعیت (A) دگرگون می‌شود یا نمی‌شود (Bremond, 1973: p.56).

او پایه دوم را مرحله گذار می‌داند که خود این مرحله می‌تواند از موقعیتهای فرعی دیگر تشکیل شود؛ یعنی در هر روایت در این پایه امکان وجود روایت‌های فرعی دیگری هست. پی‌رفتی اصیل - داستان اصلی - در پایه دوم، پی‌رفتهای فرعی دیگری را شامل می‌شود. تودوروف در کتاب «بوطیقای ساختارگرا» در قسمت نحو روایت این امکانها را بررسی می‌کند (تودوروف، ۱۳۷۹: ص ۹۲).

در روایت‌های مورد بررسی ما، پایه اول یا وضعیت متعادل اولیه، توصیف موقعیت قهرمان است و در پایه دوم با عاشق شدن وی این امکان دگرگونی ایجاد می‌شود. سرآخر نیز وضعیت قهرمان به گونه‌ای خواهد بود که کنش پایانی یا وصال شکل می‌گیرد.

در تحلیل روایت‌های این مقاله، نمادهای ریخت‌شناسیک پراپ در کتاب «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» (۱۳۶۸: ص ۲۰۶-۲۰۳) به کار گرفته، و بنا به مقتضای پژوهش، نمادهای دیگری به آن مجموعه افزوده شده است. عددی که در کنار برخی نمادها آمده، نشانه تکرار آن کنش است. در برخی موارد مانند قصه‌هایی که پراپ تحلیل کرده بود، لحظه‌های پیونددهنده هست که کنش به شمار نمی‌رود. به همین دلیل نمادی برای آن در نظر گرفته نشد. در پایان هر روایت جدولها و فرمولهای ساختاری آن نیز آمده است.^۱

از آنجا که به دنبال تعریف ده‌نامه به مثابه نوع ادبی هستیم، لازم است به این مفهوم نیز اشاره کوتاهی بشود: *genre* در قرن دوازدهم از واژه لاتینی *eris*- و *genus* (به معنای آغاز، منشأ، مبدأ^۲، تبار^۳، مقوله^۴، نوع^۵) وارد زبان فرانسه شده است. ژانر به نوع ادبی‌ای گفته می‌شود که امکان می‌دهد تا تعدادی متن بر طبق معیارهای تغییرپذیر و گوناگون دسته‌بندی شود. البته طبقه‌بندی ژانر محور^۶ به بینامتنی^۷ مربوط می‌شود؛ زیرا در واقع روابطی را نشان می‌دهد که آثار ادبی با یکدیگر برقرار می‌کند. ژانر ادبی تنها نسبت به انواع دیگر ادبی می‌تواند باشد و تعریف شود. برای تعریف ژانر، تعداد معیارها از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند؛ مثلاً گرچه از زمان ارسطو در تعریف تراژدی معیارهای مشخص و معینی در نظر گرفته شده، ولی امروزه برای تعریف رمان، که می‌تواند دارای شکلهای گوناگونی باشد، تعیین معیارهای مشخص دشوار است. انتخاب معیارها بر حسب دوره‌ها و زمانهای مختلف تغییر می‌کند. این انتخاب ممکن است جامعه‌شناختی، تاریخی یا بلاغی باشد (کهنمویی‌پور، ۱۳۸۱: ص ۳۵۴).

پیشینه ده‌نامه‌سرای

رشید عیوضی نخستین کسی است که در پاییز ۱۳۵۴ در مقاله‌ای مستقل به طرح مسئله ده‌نامه‌ها پرداخته، این آثار را در دسته‌بندی جداگانه‌ای قرار داده است. وی ده‌نامه را اینگونه معرفی می‌کند: «منظومه‌ای است مثنوی در شرح عشق و عاشقی» و معتقد است که هفت ده‌نامه در ادب فارسی داریم که شش مورد در قرن هشتم و یک مورد در قرن نهم سروده شده است: ۱. منطق‌العشاق اوحدی ۲. عشاق‌نامه عبیدزاکانی ۳. تحفه‌العشاق رکن صاین ۴. محبت‌نامه ابن نضوح ۵. روضه‌المحبین ابن عماد ۶. محبوب‌القلوب حریری ۷. روضه‌العاشقین بخاری. البته نگارنده به مورد سوم و آخر دسترسی نداشته و در معرفی آنها به نقل مطلب از تاریخ ادبیات صفا و فهرست نسخه‌های خطی بسنده کرده است.

عیوضی می‌نویسد:

شاید آبخور ده‌نامه‌ها همان نامه‌های ده‌گانه‌ای باشد که در «ویس و رامین» آمده است. در این منظومه، مشکین دبیر به خواست ویس، ده نامه پیاپی به رامین می‌نویسد. اگر دلیلی نداشته باشیم که این نامه‌ها را از افزوده‌های فخرالدین اسعد گرگانی (وفات ۴۴۶) بدانیم، باید بپذیریم که ده‌نامه‌نویسی سابقه‌ای بسیار دیرین دارد و از آنجا که تا حدی

به ثبوت رسیده که داستان آن از یادگارهای دوره اشکانی است به فرض اتفاق افتادن این منظومه در اواخر عهد اشکانیان (حکومت از ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی) سابقه ده‌نامه‌نویسی حداقل به هجده قرن پیش می‌رسد (عیوضی، ۱۳۵۴: ص ۵۲۷).
پیرو کلام عیوضی نظر تفضلی نقل می‌شود که «از میان داستانهایی که در ادبیات فارسی به جا مانده، منظومه ویس و رامین، اصلی پارتی دارد» (تفضلی، ۱۳۷۶: ص ۷۶).
شاید بهتر باشد نظر عیوضی را اینگونه کامل کرد که شکل ساده و ابتدایی نامه‌هایی که صرفاً از سوی یکی از قهرمانان منظومه به سوی دیگر فرستاده شده و منظور از آن نیز ایجاد ارتباط نبوده، بعدها سرچشمه آفرینش آثاری شده است که صرفاً نامه‌های ویس و رامین را دارد؛ گویی که شاعران برشی بر داستان ویس و رامین زده‌اند و بخش نامه‌ها را برداشته، به طور مستقل در یک اثر ادبی تازه گنجانده، آن را در فضایی دیگر پروراندند.
خان محمدی نظر دیگری دارد. وی در مقاله‌ای که به طور اختصاصی به ده‌نامه‌ها می‌پردازد، می‌نویسد:

نامه‌نگاری به معشوق و احیاناً توقع پاسخ از او در ادبیات غنایی ما سابقه‌ای دیرپا دارد؛ چه در آن زمان که مصادیق تغزلی در کار بوده است و چه بعدها که دیدگاه‌های عرفانی مطرح می‌گردد. اهل ذوق از همین مضمون عام، نوع ادبی ویژه‌ای را که مورد بحث ماست به مرور زمان پدید آورده و ضمن استقلال دادن بدان یادگارهای لطیف و ارزنده‌ای از خود به جا گذاشته‌اند (خان محمدی، ۱۳۷۸: ص ۱۷).

وی در ادامه در تعریف نوع ده‌نامه می‌نویسد:

ده‌نامه، نوع ادبی مشخص و قابل تعریفی است که هدف آن بیان نکات و ظرایف ادبی در قالب داستان و به قرار ده نامه متبادله مفروض میان عاشق و معشوق است. از جهت قالب شعری این نوع ادبی شامل گونه‌های مثنوی داستانی است که با وزن و اسلوب هر چه ساده‌تر و گه‌گاه در فحوای آن غزل، رباعی و غیره نیز درج است. از نظر محتوایی نیز این نوع ادبی صرفاً از مقوله تغزل و تغنی و به منظور بیان احساس و عواطف ابرازشده از جانب عاشق و متقابلاً ناز و استغنا معشوق و خلاصه گونه‌ای محاوره عاشقانه است (خان محمدی، ۱۳۷۸: ص ۱۷).

نویسنده درباره پیشینه ده‌نامه‌سرایی می‌نویسد:

سابقه ده‌نامه‌سرایی و اینکه از چه زمانی آغاز شده و چه مراحل داشته بر ما مجهول است. قدر مسلم در قرن ششم، عراقی نوعی از آن را به نام عشق‌نامه یا ده‌فصل سروده

است، ولی شش ده‌نامه‌ای که ما معرفی می‌کنیم، همگی متعلق به قرن هشتم - یعنی دوران فرمانروایی ایلخانان مغول در گوشه و کنار ایران - است؛ صرف نظر از ده‌نامه جامی که از مقوله دیگری است بویژه دوران ملوک‌الطوایفی و هرج و مرج آخرین‌های این ایلخانان و این بسیار بامعنی است؛ چرا که در آن آشفته بازار فرهنگ و ادب، که از تسلط مغولان خونخوار و بیابانگرد در ایران - به استثنای مناطق جنوبی - حاصل شده بود و آن کشتارهای عنیف، اینک بقیه‌السیف شاعران در جستجوی راه‌های تازه برای بیان مکنونات ذهنی خود به دور از واقعیتهای تلخ عینی بودند (همان).

همان طور که ملاحظه می‌شود، نویسنده مقاله به ماجرای نوع ادبی ده‌نامه دیدی تاریخی دارد و آن را از تلاشهای شاعران نجات‌یافته از شمشیر مغولان می‌داند تا با ابزار تازه و راه‌های نوین، مکنونات ذهنی خود را بیان کنند بدون اینکه چشم گشوده، واقعیات رقم‌زده غارتگران وحشی را ببینند و بگویند. وی در ادامه شش اثر را معرفی اجمالی می‌کند که عبارت است از: ده‌نامه‌های اوحدی، رکن صاین هروی، ابن نصح، عماد فقیه، ابن عماد، عارفی هروی.

خان محمدی ده‌نامه عماد فقیه کرمانی را جزو این نوع ادبی دانسته است، اما ده‌نامه عماد فقیه فقط در نام با ده‌نامه‌ها مشترک، و در اصل ده نسخه از نامه‌های پراکنده‌ای است به وزنهای مختلف که برای سلاطین و افراد گوناگون سروده شده است (ر.ک. عیوضی، ۱۳۵۴: ص ۵۳۰). این اثر شامل ده مقاله است که تنها در پایان مقاله دهم یک غزل آورده شده است. ده‌نامه عماد فقیه روایی نیست و حکایت‌های پراکنده تاریخی و اخلاقی دارد (ر.ک. عماد فقیه، ۸۴۱). بنابراین - و با دلایل دیگر که در پی می‌آید - این نوع ادبی به طور قطع در نوع ادبی ده‌نامه‌ها جایی ندارد. همچنین حالنامه محمود عارفی را تنها به استناد گفته ریو «و از اوست یک ده‌نامه» در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی انگلستان، ده‌نامه می‌دانند حال اینکه با توزیع نسخه می‌توان دریافت که این اثر به ده‌نامه‌ها ربطی ندارد.

این اثر عارفی هروی به گوی و چوگان یا حالنامه معروف است ضمن اینکه در فهرست نسخه‌های خطی با نام ده‌نامه نیز ثبت شده است. در این اثر، اثری از آثار ده‌نامه‌سرایی نمی‌توان یافت. این منظومه مناظره‌مانندی بین گوی و چوگان است و سپس چوگان‌بازی شاهزاده‌ای وصف می‌شود که درویشی بی‌سر و پا عاشقش می‌گردد. عارفی در سراسر منظومه با دو واژه گوی و چوگان بازی زبانی کرده و صورخیال

آفریده است. از تلفیق غزل و مثنوی، نامه‌نگاری و قاصد نیز خبری نیست (ر.ک. عارفی، ق. ۹).

ما بر آنیم که اثر دیگری در حوزهٔ بازشناسی پیشینهٔ ده‌نامه‌سرایی اهمیت بسیار دارد و آن منظومهٔ ورقه و گلشاه است که نخستین بار عیوقی (وفات ۴۲۱) آن را به شعر فارسی در آورد.

صفا معتقد است که عیوقی از شاعران دورهٔ محمود غزنوی است. این منظومه را کهن‌ترین مثنوی رمانتیک و عاشقانهٔ زبان فارسی دانسته‌اند و شفيعی کدکنی معتقد است که این غزلها شاید از اولین غزلهای مستقل زبان پارسی باشد (موريسن، ۱۳۸۰: ص ۴۲).

در ورقه و گلشاه غزلهایی به بحر متقارب یعنی بحر اصلی منظومه آمده است. این کار در ادبیات فارسی تازگی داشت و علت اصلی آن به نظر صفا این است که در اصل داستان ورقه و گلشاه یعنی قصهٔ عروه و عفرا به همان نحو که در مآخذ قدیم عربی می‌بینیم، بیان مطلب با ذکر ابیات عاشقانه و غزلهای حزن‌آوری از عروه شاعر عرب همراه بوده است و ناقل داستان به فارسی هر جا که به این ابیات و اشعار عاشقانه (که حکم غزلهای ما را دارد) رسیده، یک غزل در میان مثنوی گنجانده است (عیوقی، ۱۳۶۲: مقدمه). جالبتر از همه اینکه تعداد این غزلها هم ده تاست، اما غزلها صرفاً حدیث نفس عاشق و معشوق نیست؛ مناسبتهای داستان، تعیین‌کنندهٔ این نکته است که غزل دربارهٔ چه و برای چه کسی سروده شود. ترتیب غزلها در جدول شماره ۱ آمده است:

شماره	سراینده	سروده شده برای
نخستین غزل - نامه	ربیع بن عدنان (رقیب ورقه)	گلشاه
دومین غزل - نامه	ورقه	هجر گلشاه
سومین غزل - نامه	ورقه	گلشاه
چهارمین غزل - نامه	ربیع بن عدنان	رجزخوانی در برابر دشمن
پنجمین غزل - نامه	ورقه	مرگ پدرش
ششمین غزل - نامه	گلشاه	هجر ورقه
هفتمین غزل - نامه	ورقه	هجر گلشاه
هشتمین غزل - نامه	ورقه	گلشاه
نهمین غزل - نامه	ورقه	گلشاه
دهمین غزل - نامه	گلشاه	ورقه

جدول شماره ۱ - ترتیب نامه در منظومهٔ ورقه و گلشاه

چنانکه ملاحظه می‌شود همه نام‌ها بین عاشق و معشوق نبوده است و دیگر اینکه غزل- نامه‌ها در این اثر صرفاً عاشقانه هم نیست به طوری که موضوع چهارمین و پنجمین غزل- نامه رجزخوانیهای خاص عربها در برابر دشمن و مویه در مرگ پدر قهرمان داستان است.

ذبیح‌الله صفا عشاق‌نامه عراقی^۸ را منشأ ایجاد منظومه‌های ده‌نامه‌ای می‌داند (صفا، ۱۳۵۱، ج ۳، ب: ۱؛ ص ۵۷۶) و به ویس و رامین و ورقه و گلشاه اشاره نمی‌کند. به هر حال آنچه اتفاق افتاده، سروده شدن چندین اثر به این سبک و ساختار است. این آثار در فاصله قرنهای ششم تا نهم سروده شده، و اوجشان در میانه یعنی قرن هشتم است. غیر از هفت ده‌نامه‌ای که عیوضی معرفی کرده، سه ده‌نامه دیگر شناسایی و تحلیل شده است.

سرچشمه ده‌نامه‌ها هر چه باشد، نکته جالب سرنوشت این نوع ادبی است به نظر می‌رسد این نوع ادبی در ادامه سیر تکاملی‌اش در دوره معاصر در قالب رمانهایی که فرم نامه‌ای دارد، تجدید حیات کرده باشد. ساختار نامه‌ای را می‌توان در رمانهای دهه‌های چهل و پنجاه نیز دید؛ گاه نویسندگان این دوره برای رسیدن به شیوه‌های داستان‌نویسی و داشتن طرح متفاوت و تازه - البته در آن فضا و زمان- از نامه‌های عاشقانه به منظور ساخت رمان استفاده می‌کردند. نمونه آن داستان «ابر بارانش گرفته است» از شمیم بهار است. داستان وی از تلاقی نامه‌های عاشق و معشوق و خاطره‌هایی شکل می‌گیرد که هنگام مطالعه این نامه‌ها به ذهن می‌آید و نیز رمان «شب یک شب دو» نوشته بهمن فرسی که به همان شیوه نامه‌نگاری عاشقانه نوشته شده است (ر.ک. عابدینی، ۱۳۶۸: ص ۳۲۱ و ۲۴۶).

سالها بعد در داستانهای نویسندگان امروزی مانند مصطفی مستور نیز این فرم با مصداقهای مدرنش به کار می‌آید. روایتی که بر پایه نامه‌های اینترنتی و گپ‌خانه‌ای بنا می‌شود، شاید نبیره‌ها و ندیده‌های نوع ادبی ده‌نامه باشد. داستان «حکایت عشقی بی قاف بی شین بی نقطه» از مجموعه داستانی به همین نام یکی از این نمونه‌هاست. البته در غرب نیز این نوع رمان یعنی رمان نامه‌ای یا نامه‌وار هست و نمونه معروف آن «بابالنگ‌دراز» اثر جین ویستر است.

بنا به نظر آندره ژول «شکل‌های پیچیده ادبی حاصل رشد واحدهای ساده است» (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ص ۲ و ۲۷۱). به اعتقاد ژول انواع ابتدایی و بدوی از راه ترکیب با انواع

دیگر شکل‌های پیچیده‌ای به خود می‌گیرد که در آغاز منحصر به فرد و ممتاز به نظر می‌رسد، اما با امعان نظر و بررسی و مطالعه دقیق سرچشمه‌های آنها رخ می‌نماید. اگر از این پنجره به دنیای ده‌نامه‌ها نگاهی بیندازیم، آنچه خواهیم دید شاید این باشد که شکل قوام‌یافته ده‌نامه‌ها از گسترش گونه‌های ساده‌نامه‌ها پدید آمده است، اما ژانر ادبیات نام‌های را دست کم در آثار مستقل روایی منظوم فارسی نداشته‌ایم؛ همین هست که در آثاری چون ویس و رامین و خسرو و شیرین و داستان‌های عاشقانه شاهنامه نامه‌هایی بین قهرمانان رد و بدل می‌شود. پس بر اساس نظر ژول، نامه‌های بیرون کشیده شده از دل این منظومه‌ها، واحد ساده شکل‌های پیچیده‌تری چون ده‌نامه حریری است.

برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های این پژوهش، تنها به تحلیل روایت‌های ده‌نامه‌ها پرداخته، و در جدول‌های مربوط، کنشها و نمادهای آنها نوشته شده است. بخش مقدماتی منظومه‌ها، که شامل حمد خدا و نعت رسول (ص) و دلیل سرایش اثر و نظایر آن است به علت دخیل نبودن در سرشت و ماهیت روایت حذف شده است:

عشاق‌نامه عراقی

عراقی این اثر را بین سال‌های ۶۸۰ تا ۶۸۳ ه. ق. سروده است. از آنجا که بر آنیم عراقی را سرآغاز ده‌نامه‌سرایی به عنوان اثری مستقل بدانیم، باید به این نکته توجه کرد که وی در این اثر بیشتر به نوآوری قالب و سبک بیان مایل بوده است تا بتواند مفاهیم عرفانی را به شکلی متفاوت و نو برای خواننده‌اش توصیف کند. عراقی عشق الهی را دستمایه‌ای برای آفرینش شعری و نوآوری صوری قرار داده است. در برخی مواضع عشاق‌نامه عراقی - مثلاً در فصل دوم - می‌توان الگوی روایت‌گونه‌ای دید، اما این اثر در کلیت خود فاقد ساخت روایی است. غزلها (۲۰ غزل) کارکرد نامه‌ای ندارد و برای معشوق مشخصی نوشته نمی‌شود. در نتیجه پیکی هم در کار نیست تا نامه‌رسان این قصه باشد. همه اینها را می‌توان به حساب اولی بودنش گذاشت.

بنابراین با توجه به وضعیت ایجابی^۹ ده‌نامه‌ها، بهتر است عشاق‌نامه را جزو ده‌نامه‌های الحاقی لحاظ کرد نه اصلی. از طرفی به دلیل ویژگیهای خاص و نزدیک به تعریف ژانر از دید این نوشته و سابقه نظری تاریخی به گفته تودوروف، نمی‌توان آن را بکلی نادیده گرفت و کنار گذاشت. با این توصیفات، قرار دادن عشاق‌نامه عراقی در

اینجا به دلیل نشان دادن فرایند تغییر و تحول در یک نوع ادبی است و در نتیجه‌گیریهای نهایی لحاظ نشده است.

صحبت‌نامه همام تبریزی

این اثر به احتمال در حدود سال ۶۸۲ سروده شده است. آنچه تاکنون این منظومه را در ردیف ده‌نامه‌ها قرار داده، ویژگی آمیختگی غزل و مثنوی در آن است، گرچه تعداد غزلهای هم چندان چشمگیر نیست؛ تنها چهار غزل در بین قالب مثنوی گنجانده شده است. در صحبت‌نامه، صحبتی از نامه نیست؛ غزلهای نیز کارکرد خاصی ندارد؛ روایت روشن و دقیقی نیز در اثر نیست جز اینکه از لابه‌لای ویژگیهای عمومی غزلهای عاشقانه می‌توان روایت‌گونه‌ای را تشخیص داد که سعی شده است در این نوشته ساخت آن به دست داده شود.

بنابراین به دلیل اینکه شروط ایجابی ما در این منظومه کاملاً ایجاد نشده است، نمی‌توان این اثر را در ردیف ده‌نامه‌ها قرار داد؛ اما از آنجا که به طور تاریخی و در نظام شناختی سنتی ما، صحبت‌نامه در جایگاه ده‌نامه‌ها قرار گرفته است بر آن شدیم تا این اثر را از آثار الحاقی ده‌نامه‌ها به حساب آوریم. در جدول شماره ۲ ساخت این منظومه نشان داده شده است:

ش.	نماد	ساختار	ش.	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان به توصیف وضعیت خود می‌پردازد.	۸	Q3	عاشق غزلسرایی می‌کند.
۲	A	قهرمان عاشق است.	۹	Vk	عاشق از فراق معشوق زاری می‌کند.
۳	Vd	عاشق به ستایش معشوق می‌پردازد.	۱۰	Q4	عاشق غزلسرایی می‌کند.
۴	Q1	عاشق غزل می‌سراید.	۱۱	Vn	معشوق دلش نرم می‌شود.
۵	Q2	عاشق غزل می‌سراید.	۱۲	W1	عاشق به وصال معشوق می‌رسد.
۶		عاشق نسبت به معشوق غیرت دارد.	۱۳	K	عاشق گرفتار فراق می‌شود.
۷	Vy	عاشق از فراق معشوق بیقرار است.	۱۴	W2	عاشق پس از زاری فراوان دوباره به وصال معشوق می‌رسد.

جدول شماره ۲ - ساختار و نمادهای صحبت‌نامه

منطق‌العشاق اوحدی مراغه‌ای

اوحدی، منطق‌العشاق را در سال ۷۰۶ به نظم درآورده است. وی در منطق‌العشاق به ده نامه‌هایی اشاره می‌کند که پیش از اثر او بوده، و دل‌خوانندگان از آنها سیر شده بوده است:

دل از ده‌نامه‌های کهنه سیر است بگو ده‌نامه‌ای شیرین که دیر است
 حدیثی تازه کن از سینه‌ای نو سماطی در کش از لوزینه‌ای نو
 و یا شاعر اشاره می‌کند به اینکه ده‌نامه سرودن کار تراز اولی نیست و ارزش هنری والایی ندارد:

اگر بودی چنان چون بود ازین پیش بزرگی کو بدانستی کم از بیش
 چرا بایستی ده‌نامه گفتن چو خامان درد دل با خامه گفتن
 کی از ده‌نامه‌ای نامم بر آید ز هر بیهوده‌ای کامم بر آید

ش	نماد	ساختار	ش	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان از هوسبازان روزگار است.	۲۵	N5	عاشق، نامه پنجم را برای معشوق می‌نویسد (طعنه به معشوق در بیوفایی).
۲	A	قهرمان ناگهان عاشق زیبارویی می‌شود.	۲۶	Q5	عاشق غزل می‌سراید.
۳	B	عاشق بیمار می‌شود.	۲۷	H	راوی حکایت نقل می‌کند.
۴	N1	عاشق نامه اول را می‌نویسد (ابراز عشق).	۲۸	Vx	معشوق از نامه عاشق خشمگین می‌شود.
۵	Q1	عاشق غزل می‌سراید.	۲۹	N6	معشوق نامه ششم را می‌نویسد (در دل‌سنگی و نرم نشدن).
۶	R	باد، نامه را به معشوق می‌رساند.	۳۰	Q6	معشوق غزل می‌سراید.
۷	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۳۱	Vo-	عاشق پس از خواندن نامه از نرم شدن دل معشوق ناامید می‌شود.
۸	H	راوی حکایت نقل می‌کند.	۳۲	H	راوی حکایت نقل می‌کند.
۹		معشوق از حرف مردم	۳۳	N7	عاشق نامه هفتم را می‌نویسد

			می ترسد.		
(در تمنای پایان دادن هجران).					
عاشق غزل می‌سراید.	Q7	۳۴	معشوق، نامه دوم را می‌نویسد (در رد عشق).	N2	۱۰
معشوق با خواندن نامه دلش نرم می‌شود، اما عیان نمی‌کند.	Vn*	۳۵	معشوق غزل می‌سراید.	Q2	۱۱
راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۳۶	عاشق از شنیدن سخنان معشوق بیهوش می‌شود.	Vb	۱۲
معشوق نامه هشتم را می‌نویسد (در سر بلند نبودن عاشق در آزمون عشق).	N8	۳۷	عاشق می‌اندیشد که سخنان معشوق از ته دل نیست.		۱۳
معشوق غزل می‌سراید.	Q8	۳۸	راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۱۴
عاشق، نامه را می‌خواند و از تمایل نهانی معشوق آگاه می‌شود.		۳۹	عاشق، نامه سوم را می‌نویسد (طلب عشق).	N3	۱۵
راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۴۰	عاشق غزل می‌سراید.	Q3	۱۶
عاشق نامه نهم را می‌نویسد (در تازه کردن عهد با معشوق).	N9	۴۱	معشوق به خاطر آبروداری و زیبایی رام نمی‌شود.	Vn-	۱۷
عاشق غزل می‌سراید.	Q9	۴۲	معشوق عاشق را هم‌شان خود نمی‌داند.	Vn-	۱۸
معشوق با خواندن نامه عاشق دلش مهربان می‌شود.	Vn	۴۳	راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۱۹
راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۴۴	معشوق به خاطر بی‌پولی، عاشق را می‌راند.	Vn-	۲۰
معشوق نامه دهم را می‌نویسد (مژده وصل).	N10	۴۵	معشوق نامه چهارم را می‌نویسد (طرد عشق).	N4	۲۱
معشوق غزل می‌سراید.	Q10	۴۶	معشوق غزل می‌سراید.	Q4	۲۲
عاشق با خواندن نامه معشوق خوشحال می‌شود.	Vh	۴۷	عاشق با خواندن نامه معشوق سعی می‌کند از او دل بر کند.	Vo-	۲۳
راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۴۸	راوی حکایت نقل می‌کند.	H	۲۴
عاشق به وصال معشوق می‌رسد.	W	۴۹			

جدول شماره ۳ - ساختار و نمادهای منطق‌العشاق

محبت‌نامه ابن نضوح

ابن نضوح این منظومه را به تاریخ ۷۳۶ ه. ق. سروده است. مطابق نظام ده‌نامه‌ها در خلال قالب مثنوی، تعداد ده غزل گنجانده شده است. به ظاهر پیغام‌های این منظومه شفاهی است و نامه مکتوب نوشته نمی‌شود. البته گاهی به نامه بردن اشاره دارد:

ترا رسمی است ای مشکین شمامه
به عاشق بردن از معشوق نامه

پیکهای این منظومه عبارتند از: ماه، خورشید، باد صبا، باد شمال، شانه، آینه، شمع، پروانه، گل و بلبل که به ترتیب از جانب عاشق و معشوق به یکدیگر فرستاده می‌شوند.

ش. نماد	ساختار	ش. نماد	ساختار
۱ I	قهرمان یاد ایام جوانی اش می‌افتد.	۳۰ Q5	عاشق غزل می‌سراید.
۲ A	قهرمان در جوانی عاشق زیبارویی می‌شود.	۳۱ R	عاشق شانه را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۳ Vd	عاشق خطاب به خیال از دوری یار شکایت می‌کند.	Vx	معشوق از نامه عاشق خشمگین می‌شود.
۴ X	عاشق یار محرمی ندارد تا برای معشوق نامه بفرستد.	N6	معشوق نامه ششم را می‌نویسد.
۵ V1	خیال به عاشق دلداری می‌دهد که غمش به شادی می‌انجامد.	Q6	معشوق غزل می‌سراید.
۶ Vd	عاشق با ماه درد دل می‌کند.	R	معشوق آینه را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۷ N1	عاشق نامه اول را می‌نویسد (ابراز عشق).	Vn	معشوق دلش نرم شده است.
۸ Q1	عاشق غزل می‌سراید.	Vg	معشوق از آینه می‌خواهد که راز دل عاشق را جویند.
۹ R	ماه، نامه را به معشوق می‌رساند.	Vo-	عاشق پس از خواندن نامه از نرم شدن دل معشوق ناامید می‌شود.
۱۰ Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	N7	عاشق نامه هفتم را می‌نویسد.
۱۱ Vg	معشوق با خورشید هم سخن می‌شود.	Q7	عاشق غزل می‌سراید.
۱۲ N2	معشوق نامه دوم را می‌نویسد (در رد عشق).	R	عاشق شمع را برای رساندن نامه می‌فرستد.

۱۳	Q2	معشوق غزل می‌سراید.	۴۲	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.
۱۴	R	معشوق خورشید را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۴۳	Vs	معشوق شمع را سرزنش می‌کند.
۱۵	Vq	عاشق از شنیدن سخنان خورشید و نامه معشوق ناراحت می‌شود.	۴۴	Vg	معشوق با پروانه گفتگو می‌کند.
۱۶		عاشق می‌اندیشد که سخنان معشوق از ته دل نیست.	۴۵	N8	معشوق نامه هشتم را می‌نویسد (در نرم شدن دل وی).
۱۷		عاشق سخنان باد صبا را درباره زلف یار می‌شنود.	۴۶	Q8	معشوق غزل می‌سراید.
۱۸	N3	عاشق نامه سوم را می‌نویسد (بیقراری از هجر یار).	۴۷	Vh	عاشق خوشحال می‌شود.
۱۹	Q3	عاشق غزل می‌سراید.	۴۸	N9	عاشق نامه نهم را می‌نویسد (در طلب وصال).
۲۰	R	عاشق باد صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۴۹	Q9	عاشق غزل می‌سراید.
۲۱	Vs	معشوق باد صبا را سرزنش می‌کند.	۵۰	Vg	عاشق با گل سخن می‌گوید.
۲۲	Vq	باد صبا ناراحت می‌شود.	۵۱	R	عاشق گل را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۲۳	Vs	معشوق از کار باد صبا ناراحت می‌شود.	۵۲	Vs	معشوق گل را سرزنش می‌کند.
۲۴	Vg	معشوق با باد شمال گفتگو می‌کند.	۵۳	Vn	معشوق با خواندن نامه عاشق دلش مهربان می‌شود.
۲۵	N4	معشوق نامه چهارم را می‌نویسد (طرد عشق).	۵۴	N10	معشوق نامه دهم را می‌نویسد (مژده وصل).
۲۶	Q4	معشوق غزل می‌سراید.	۵۵	Q10	معشوق غزل می‌سراید.
۲۷	R	معشوق باد شمال را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۵۶	R	معشوق بلبل را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۲۸	Vl	عاشق به خود دل‌داری می‌دهد که صبر پیشه کند.	۵۷	Vh	عاشق با خواندن نامه معشوق خوشحال می‌شود.
۲۹	N5	عاشق نامه پنجم را برای معشوق می‌نویسد.	۵۸	W	عاشق و معشوق به وصال یکدیگر می‌رسند.

جدول شماره ۴ - ساختار و نمادهای محبت‌نامه

عشاق‌نامه عبید زاکانی

عبید منظومه خود را در سال ۷۵۱ ه. ق. به نظم در آورده است. در منظومه عبید به ظاهر نامه‌ای رد و بدل نمی‌شود؛ پیغامهای عاشق و معشوق را عقاب (مرغ چالاک فسونگر) و نیز در پایان باد صبا می‌رساند و می‌آورد. قهرمان قصه، راوی یعنی عبید زاکانی است و در غزل‌هایش نیز تخلص عبید را آورده است. از ویژگیهای سبکی-ساختاری این منظومه استفاده از دو غزل هم‌ام و ابیاتی از نظامی در لابه‌لای اثر است.

ش.	نماد	ساختار	ش.	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان عاشق‌پیشه است.	۱۷	R	عاشق باز شکاری را برای رساندن پیغام می‌فرستد (آرزوی وصال).
۲	A	قهرمان عاشق می‌شود.	۱۸	Vz	پیک (باز شکاری) معشوق را پند می‌دهد.
۳	Q1	عاشق غزل می‌سراید (در وصف زیبای معشوق).	۱۹	Vn	معشوق نرم می‌شود.
۴	Vg	خرد، عاشق را پند می‌دهد که این معشوق شایسته عشق است.	۲۰	T	معشوق ناز کردن را آزمایش پایداری عاشق می‌داند.
۵	Vz	عاشق پند خرد را می‌پذیرد.	۲۱	N2	معشوق به پیک مژده وصال را می‌دهد.
۶	Vy	عاشق از شدت عشق بیقرار می‌شود.	۲۲	Q5	معشوق غزل می‌سراید.
۷	Q2	عاشق غزل می‌سراید.	۲۳	Vh	معشوق و عاشق خوابشان نمی‌برد.
۸		معشوق صدای عاشق را می‌شنود.	۲۴	Q6	عاشق غزل می‌سراید.
۹	Vp	معشوق می‌پرسد که این شخص کیست.	۲۵	M	عاشق خانه را آماده می‌کند تا معشوق بیاید.
۱۰	R	عاشق عقابی را برای رساندن پیغام می‌فرستد.	۲۶	W	عاشق و معشوق به وصال می‌رسند.
۱۱	Q3	عاشق غزل می‌سراید.	۲۷	#	دشمنان عاشق از عشق بین آن دو باخبر می‌شوند.

۱۲	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۲۸	→	معشوق از شهر می‌رود.
۱۳	N1	معشوق به واسطهٔ پیک پیغام می‌فرستد (در ترک عشق).	۲۹	Q7	عاشق غزل می‌سراید.
۱۴	Q4	معشوق غزل می‌سراید.	۳۰	N2/ R	معشوق با باد صبا برای عاشق پیغام می‌فرستد.
۱۵	v m	عاشق با شنیدن پیغام معشوق مشتاقتر می‌شود.	۳۱	D	معشوق دیدار عاشق را می‌طلبد.
۱۶	Vo	عاشق به خود امیدواری می‌دهد که به معشوق می‌رسد.	۳۲	C	عاشق دعا می‌کند که خدا او را به معشوق برساند.

جدول شماره ۵ - ساختار و نمادهای عشاق‌نامه

پایان منظومهٔ عشاق‌نامه بسیار جالب و نوست؛ این منظومه پایان متعارفی ندارد؛ به خواننده نمی‌گوید که عاشق پس از مدتی دوری از معشوق در نهایت به وصال وی می‌رسد یا نمی‌رسد. پایان داستان عبید باز^{۱۰} است و تنها راوی، دعا و مناجات خود را در پایان آورده است که در آن از خدا می‌خواهد او را به بت بگزیدهٔ خود برساند، اما روشن نمی‌شود که این دعا برآورده می‌شود یا نه. البته راوی «در خاتمهٔ کتاب» می‌گوید که امیدوار است صاحب‌دلی روزی این اثر را بخواند و برای او دعا کند تا وی به معشوق خود برسد. راوی اذعان می‌کند که:

ز ما دانادلان معنی نجویند دماغ‌آشفتگان آشفته گویند

تحفه‌العشاق رکن صاین سمثانی

این منظومه در سال ۷۵۱ ه.ق. سروده شده است. در این منظومه نیز نامه‌ها و غزلها و روایت، مفهوم مستقل و جداگانه‌ای ندارد بلکه در پیوند با هم است؛ توضیح اینکه ادامهٔ مفهوم مثنوی (روایت) به لحاظ منطقی مثلاً در غزل یا نامه می‌آید:

تو گر در جستتم صد سال پویی در آن صد سال دایم وصل جویی

غزل از زبان معشوق

ز من جز محنت و هجران نبینی ز من جز درد بی درمان نبینی

باد، بخت و دوست عاشق پیکهای این منظومه هستند.

ش.ن	نماد	ساختار	ش.ن	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان با دوستی از عاشقی حرف می‌زنند.	۱۸	N6	عاشق نامه ششم را می‌نویسد (شکایت از معشوق به باد).
۲	A	قهرمان تعریف می‌کند که عاشق زیبارویی بوده است.	۱۹	N7	معشوق نامه هفتم را می‌نویسد (شهره شدن و خودداری از وصال).
۳	Vq	عاشق ناراحت است.	۲۰	Q4	معشوق غزل می‌سراید.
۴	Vg	عاشق با بخت گفتگو می‌کند.	۲۱	N8	معشوق نامه هشتم را می‌نویسد (در رهاکردن عشق).
۵	E	بخت پیشنهاد می‌کند که به معشوق نامه بدهد.	۲۲	Q5	عاشق غزل می‌سراید.
۶	N1	عاشق نامه اول را می‌نویسد.	۲۳	N9	عاشق نامه نهم را می‌نویسد (شکایت از جفای معشوق).
۷	Q1	عاشق غزل می‌سراید.	۲۴	N10	معشوق نامه دهم را می‌نویسد (تحمل جفا در صورت وصل).
۸	R	عاشق باد را برای رساندن نامه می‌فرستد (اظهار عشق و بیقراری).	۲۵	Q6	معشوق غزل می‌سراید.
۹	N2	عاشق نامه دوم را می‌نویسد (در رحم کردن به حال وی).	۲۶	N11	عاشق نامه یازدهم را می‌نویسد (در طلب وصال).
۱۰	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۲۷	Q8	عاشق غزل می‌سراید.
۱۱	N3	معشوق نامه سوم را می‌نویسد (در ردّ عشق).	۲۸	N12	معشوق نامه دوازدهم را می‌نویسد (در نرم شدن و وعده دیدار).
۱۲	Q2	معشوق غزل می‌سراید.	۲۹	Q9	معشوق غزل می‌سراید.
۱۳	N4	معشوق نامه چهارم را می‌نویسد (رنجش بیشتر در صورت ادامه عاشقی).	۳۰	N13	معشوق نامه سیزدهم را می‌نویسد (در آرزوی دیدار عاشق).
۱۴	Vq	عاشق ناراحت می‌شود.	۳۱	Q10	معشوق غزل می‌سراید.
۱۵	N5	عاشق نامه پنجم را می‌نویسد (درخواست رحم بر عاشق).	۳۲	N14	معشوق نامه چهاردهم را می‌نویسد (در خیر آماده).

بودن اسباب تنعم).					
معشوق غزل می‌سراید.	Q11	۳۳	عاشق غزل می‌سراید.	Q3	۱۶
در نامه پانزدهم عاشق و معشوق به وصال می‌رسند.	N15/w	۳۴	قهرمان با دوستی از عاشقی حرف می‌زند.	Vd	۱۷

جدول شماره ۶ - ساختار و نمادهای تحفه‌العشاق

روح‌العاشقین شاه شجاع

شاه شجاع این منظومه را در سال ۷۶۸ ه. ق. در زمان آشفتگی اوضاع فارس و رفتن وی به کرمان برای رفع ملال و افسردگی ناشی از آن سروده است.

ش	نماد	ساختار	ش	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان وضعیت آشفته‌ای دارد.	۲۳	R	عاشق باد را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۲	A	قهرمان یاد زیبارویی می‌افتد که عاشقش بوده است.	۲۴	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.
۳	Vk	عاشق از فراق معشوق زاری می‌کند.	۲۵	N6	معشوق نامه ششم را می‌نویسد (اظهار بی‌نیازی).
۴	N1	عاشق نامه اول را می‌نویسد (درخواست آمدن معشوق به اقامتگاه عاشق).	۲۶	N7	عاشق نامه هفتم را می‌نویسد.
۵	Q1	عاشق غزل می‌سراید.	۲۷	Vj	عاشق عذرخواهی می‌کند.
۶	R	عاشق باد بهار را برای رساندن این نامه می‌فرستد.	۲۸	H	عاشق حکایت نقل می‌کند.
۷	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۲۹	Q5	عاشق غزل می‌سراید.
۸	N2	معشوق نامه دوم را می‌نویسد.	۳۰	R	عاشق باد را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۹	Vz	معشوق عاشق را پند می‌دهد که تو جوانی و می‌توانی دوباره قدرت بیابی.	۳۱	Vn	معشوق با خواندن نامه نرم و مهربان می‌شود.
۱۰	Vp	معشوق می‌گوید تو مرا ندیده‌ای، چگونه عاشق شدی؟	۳۲	N8	معشوق نامه هشتم را می‌نویسد (مژده وصال).
۱۱	Q2	معشوق غزل می‌سراید.	۳۳	T	معشوق دلیل نامهربانی‌اش را آزمایش عاشقی عاشق

می‌داند.					
عاشق نامه سوم را می‌نویسد.	N3	۳۴	R	باد، نامه را به عاشق می‌نویسد.	۱۲
عاشق با ناراحتی به معشوق می‌گوید که نیاز به پند ندارد.	Vq	۳۵	N9	عاشق نامه نهم را می‌نویسد.	۱۳
عاشق می‌گوید که معشوق را بر لب بام دیده است.	Vp	۳۶	Vt	عاشق از معشوق دعوت می‌کند که به نزدش بیاید.	۱۴
عاشق غزل می‌سراید.	Q3	۳۷	Q6	عاشق غزل می‌سراید.	۱۵
عاشق از معشوق می‌خواهد که به نزدش بیاید.	Vt	۳۸	R	عاشق باد نوروزی را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۱۶
عاشق باد خوشبو را برای رساندن نامه می‌فرستد.	R	۳۹	Vh	معشوق خوشحال می‌شود.	۱۷
معشوق خشمگین می‌شود.	Vx	۴۰	N10	معشوق نامه دهم را می‌نویسد (خبر وصال)	۱۸
معشوق نامه چهارم را می‌نویسد (اظهار بی‌نیازی).	N4	۴۱	M	معشوق از عاشق می‌خواهد که مجلس بزم را آماده کند.	۱۹
معشوق غزل می‌سراید.	Q4	۴۲	→	معشوق شبانه در لباس مردانه به شهر عاشق می‌آید.	۲۰
عاشق خشمگین می‌شود.	Vx	۴۳	Vb	عاشق با دیدن معشوق بی‌هوش می‌شود.	۲۱
عاشق نامه پنجم را می‌نویسد.	N5	۴۴	W	عاشق و معشوق به وصال می‌رسند.	۲۲

جدول شماره ۷ - ساختار و نمادهای روح‌العاشقین

روضه‌المحبین ابن‌عماد

این منظومه در سال ۷۹۴ ه. ق. به نظم درآمده است. گلچین معانی معتقد است که به دلیل شهرت یافتن ده‌نامه ابن‌عماد، شاعران دیگر به ده‌نامه‌سرایی پرداختند، اما ده‌نامه ابن‌عماد نزدیک به آخرین ده‌نامه‌های سروده شده است. پیک این اثر باد صباست.

ش.	نماد	ساختار	ش.	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان نوجوان است.	۲۵	R	معشوق صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۲	A	قهرمان عاشق زیبارویی می‌شود.	۲۶	Vz	صبا عاشق را پند می‌دهد (در

					صبر کردن).
۳	X	عاشق محرمی به جز باد صبا ندارد.	۲۷	Vd	عاشق با صبا درد دل می‌کند.
۴	N1	عاشق نامه اول را می‌نویسد (در ابراز عشق).	۲۸	N7	عاشق نامه هفتم را می‌نویسد (در طلب وصال).
۵	Q1	عاشق غزل می‌سراید.	۲۹	Q6	عاشق غزل می‌سراید.
۶	R	عاشق باد صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۳۰	R	عاشق صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۷	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۳۱	H	عاشق حکایت نقل می‌کند.
۸	Vs	معشوق صبا را سرزنش می‌کند.	۳۲	Vz	صبا معشوق را پند می‌دهد (در نرم شدن با عاشق).
۹	N2	معشوق نامه دوم را می‌نویسد (چه کسی هستی، از کجایی و رد عشق).	۳۳	Vn	معشوق نرم می‌شود.
۱۰	Q2	معشوق غزل می‌سراید.	۳۴	N8	معشوق نامه هشتم را می‌نویسد (وعده وصال).
۱۱	Vb	عاشق از شنیدن پیام معشوق بیهوش می‌شود.	۳۵	T	معشوق این جفاها را برای آزمودن عاشق می‌داند.
۱۲	N3	عاشق نامه سوم را می‌نویسد (در رحم بر وی و طلب وصال).	۳۶	Q7	معشوق غزل می‌سراید.
۱۳	R	عاشق صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۳۷	Vh	عاشق از شنیدن نوید وصل خوشحال می‌شود.
۱۴	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۳۸	N9	عاشق نامه نهم را می‌نویسد (اشتیاق و طلب وصال).
۱۵	N4	معشوق نامه چهارم را می‌نویسد (در رد عشق).	۳۹	Q8	عاشق غزل می‌سراید.
۱۶	Q3	معشوق غزل می‌سراید.	۴۰	R	عاشق صبا را برای رساندن و بیان بی‌صبری وی می‌فرستد.
۱۷	Vk	عاشق از شنیدن جواب معشوق زاری می‌کند.	۴۱	N10	معشوق نامه دهم را می‌نویسد (مژده وصال).
۱۸	N5	عاشق نامه پنجم را می‌نویسد (در	۴۲	Q9	معشوق غزل می‌سراید.

					طلب وصال).
۱۹	Q4	عاشق غزل می‌سراید.	۴۳	R	معشوق صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۲۰	R	عاشق صبا را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۴۴	Vh	عاشق خوشحال می‌شود.
21	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.	۴۵	M	عاشق خانه را برای آمدن معشوق آماده می‌کند.
۲۲	Vs	معشوق صبا را سرزنش می‌کند.	۴۶	→	معشوق ناگهان به خانه‌اش می‌آید.
۲۳	N6	معشوق نامه ششم را می‌نویسد (در فراوانی عاشقان و اظهار بی‌نیازی).	۴۷	Vb	عاشق از دیدن معشوق بیهوش می‌شود.
۲۴	Q5	معشوق غزل می‌سراید.	۴۸	W	عاشق و معشوق به وصال یکدیگر می‌رسند.

جدول شماره ۸ - ساختار و نمادهای روضه‌العاشقین

محبوب‌القلوب حریری

حریری این اثر را در سال ۸۰۰ ه. ق. سروده است. پیکهای این منظومه عبارتند از: باد صبحگاهی، آب، پروانه، شمع، بلبل، گل، آینه، شانه، ماه و خورشید.

ش.	نماد	ساختار	ش.	نماد	ساختار
۱	I	قهرمان یکی از دوستان راوی است.	۳۰	N6	معشوق نامه ششم را می‌نویسد (در ترک عشق وی).
۲	A	قهرمان عاشق می‌شود.	۳۱	Q7	معشوق غزل می‌سراید.
۳	N1	عاشق نامه اول را می‌نویسد (ابراز عشق).	۳۲	H	معشوق حکایت نقل می‌کند.
۴	Q1	عاشق غزل می‌سراید.	۳۳	R	معشوق گل را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۵	H	عاشق حکایتی نقل می‌کند.	۳۴		گل، نامه را به دست بلبل می‌رساند تا به عاشق بدهد.
۶	R	عاشق باد را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۳۵	Vq	عاشق ناراحت می‌شود.

عاشق نامه هفتم را می‌نویسد (در بیان وابستگی حسن معشوق به عشق عاشق).	N7	۳۶	معشوق خشمگین می‌شود.	Vx	۷
عاشق غزل می‌سراید.	Q8	۳۷	معشوق نامه دوم را می‌نویسد (پرسش از اینکه وی را کجا دیده‌است).	N2	۸
عاشق حکایت نقل می‌کند.	H	۳۸	معشوق غزل می‌سراید.	Q2	۹
عاشق آینه را برای رساندن نامه می‌فرستد.	R	۳۹	معشوق حکایت نقل می‌کند.	H	۱۰
معشوق ناراحت می‌شود که عاشق را از دست می‌دهد.	Vq	۴۰	معشوق آب را برای رساندن نامه می‌فرستد.	R	۱۱
معشوق نشانه‌های عشق را در خود می‌بیند.		۴۱	معشوق به آب می‌گوید که به آزار عاشق پردازد.	Va	۱۲
معشوق نامه هشتم را می‌نویسد (در خبردار کردن عاشق از عشق وی).	N8	۴۲	معشوق غزل می‌سراید.	Q3	۱۳
معشوق غزل می‌سراید.	Q9	۴۳	معشوق حکایت نقل می‌کند.	H	۱۴
معشوق حکایت نقل می‌کند.	H	۴۴	عاشق با آب راز دل می‌گوید.	Vd	۱۵
معشوق شانه را برای رساندن نامه می‌فرستد.	R	۴۵	عاشق نامه سوم را می‌نویسد.	N3	۱۶
عاشق با خواندن نامه خوشحال می‌شود.	Vh	۴۶	عاشق غزل می‌سراید.	Q4	۱۷
عاشق نامه نهم را می‌نویسد (در عذرخواهی از معشوق).	N9	۴۷	عاشق حکایت نقل می‌کند.	H	۱۸
عاشق غزل می‌سراید.	Q10	۴۸	عاشق پروانه را برای رساندن نامه می‌فرستد.	R	۱۹
عاشق حکایت نقل می‌کند.	H	۴۹	معشوق خشمگین می‌شود.	Vx	۲۰
عاشق ماه را برای رساندن نامه می‌فرستد.	R	۵۰	معشوق نامه چهارم را می‌نویسد.	N4	۲۱
معشوق نامه دهم را می‌نویسد (مژده وصل).	N10	۵۱	معشوق غزل می‌سراید.	Q5	۲۲
معشوق غزل می‌سراید.	Q11	۵۲	معشوق حکایت نقل می‌کند.	H	۲۳

۲۴	R	معشوق شمع را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۵۳	H	معشوق حکایت نقل می‌کند.
۲۵	N5	عاشق، نامه پنجم را برای معشوق می‌نویسد (در دیدار خواستن).	۵۴	R	معشوق خورشید را برای رساندن نامه می‌فرستد.
۲۶	Q6	عاشق غزل می‌سراید.	۵۵	Vh	عاشق از خواندن نامه خوشحال می‌شود.
۲۷	H	عاشق حکایت نقل می‌کند.	۵۶	M	عاشق خانه را برای آمدن معشوق آماده می‌کند.
۲۸	R	عاشق بلبل را برای رساندن نامه می‌فرستد.	۵۷	W	عاشق و معشوق به وصال می‌رسند.
۲۹	Vx	معشوق خشمگین می‌شود.			

جدول شماره ۹ - ساختار و نمادهای محبوب‌القلوب

در جدول ساختاری - تطبیقی زیر، نمادها نشان می‌دهد که ده‌نامه‌های اصلی طرح یکسان و ساختاری یگانه دارند.

ش	منطق‌العشاق	محبت‌نامه	عشاق‌نامه	تحفه‌العشاق	روح‌العاشقین	روضه‌المحبین	محبوب‌القلوب
۱	I	I	I	I	I	I	I
۲	A	A	A	A	A	A	A
۳	B	Vd	Q1	Vq	Vk	X	N1
۴	N1	X	Vg	Vg	N1	Vd	Q1
۵	Q1	Vl	Vz	E	Q1	N1	H
۶	R	N1	Vy	N1	R	Q1	R
۷	Vx	Q1	Q2	Q1	Vx	R	Vx
۸	H	R	Vp	R	N2	Vx	N2
۹	N2	Vx	R	N2	Vz	Vs	Vp
۱۰	Q2	Vg	Q3	Vx	Vp	N2	Q2
۱۱	Vb	N2	Vx	N3	Q2	Vp	H
۱۲	H	Q2	N1	Q2	N3	Q2	R
۱۳	N3	R	Q4	N4	Vq	Vb	Va
۱۴	Q3	Vq	Vm	Vq	Vp	N3	Q3
۱۵	Vn-	N3	Vo	N5	Q3	R	H

Vd	Vx	Vt	Q3	R	Q3	H	۱۶
N3	N4	R	Vd	Vz	R	N4	۱۷
Q4	Q3	Vx	N6	Vn	Vs	Q4	۱۸
H	Vk	N4	N7	T	Vq	Vo-	۱۹
R	N5	Q4	Q4	N2	Vs	H	۲۰
Vx	Q4	Vx	N8	Q5	Vg	N5	۲۱
N4	R	N5	Q5	Vh	N4	Q5	۲۲
Q5	Vx	R	N9	Q6	Q4	H	۲۳
H	Vs	Vx	Q6	M	R	Vx	۲۴
R	N6	N6	N10	W	Vl	N6	۲۵
N5	Q5	N7	Q7	#	N5	Q6	۲۶
Q6	R	Vj	N11	→	Q5	Vo-	۲۷
H	Vz	H	Q8	Q7	R	H	۲۸
R	Vd	Q5	N12	N2	Vx	N7	۲۹
Vx	N7	R	Q9	R	N6	Q7	۳۰
N6	Q6	Vn	N13	D	Q6	Vn*	۳۱
Q7	R	N9	M	C	R	H	۳۲
H	H	T	Q10		Vn	N8	۳۳
R	Vz	R	N14		Vg	T-	۳۴
Vq	Vn	N9	Q11		Vo-	Q8	۳۵
N7	N8	Q6	N15		N7	H	۳۶
Q8	T	R	W		Q7	N9	۳۷
H	Q7	Vh			R	Q9	۳۸
R	Vh	N10			Vx	Vn	۳۹
N8	N9	M			Vs	H	۴۰
Q9	Q8	→			Vg	N10	۴۱
H	R	Vb			N8	Q10	۴۲
R	N10	W			Q8	Vh	۴۳
Vh	Q9				Vh	H	۴۴
N9	R				N9	W	۴۵
Q10	Vh				Q9		۴۶
H	M				R		۴۷

R	→				Vs	۴۸
N10	Vb				Vn	۴۹
Q11	W				N10	۵۰
H					Q10	۵۱
R					R	۵۲
Vh					Vh	۵۳
M					W	۵۴
W						۵۵

جدول شماره ۱۰ - جدول ساختاری-تطبیقی نمادهای ده‌نامه‌ها

نتیجه

۱. با توجه به تعریف این پژوهش از پس تحلیل اشتراکات ساختاری و محتوایی در باب تشخیص نوع ادبی بودن ده‌نامه‌ها، منطق‌العشاق اوحدی، محبت‌نامه ابن نصح، عشاق‌نامه عبید زاکانی، تحفه‌العشاق رکن صاین، روح‌العاشقین شاه شجاع، روضه‌المحبین ابن عماد و محبوب‌القلوب حریری را جزو ده‌نامه‌های اصلی و همخوان با این نوع و عشاق‌نامه عراقی و صحبت‌نامه همام را جزو ده‌نامه‌های الحاقی می‌دانیم. از طرفی به دلیل ویژگیهای خاص و نزدیک به تعریف ژانر و سابقه نظری-تاریخی به گفته تودوروف، نمی‌توان آنها را بکلی نادیده گرفت و کنار گذاشت. بنابراین قرار گرفتن عشاق‌نامه و صحبت‌نامه در این نوشته به دلیل نشان دادن فرایند تغییر و تحول در یک ژانر است و در نتیجه‌گیریهای نهایی لحاظ نشده است.

۲. در ده‌نامه‌ها، وضعیت آغازین حکایت I با توصیف موقعیت قهرمان شروع می‌شود. سپس اولین نقش‌مایه ساختاری قصه یعنی نقش‌مایه عاشق شدن A متولد می‌شود؛ با ورود قهرمان به صحنه قصه رشد و گسترش می‌یابد. پس از آن بر اثر کنش‌های پیونددهنده مثل نامه‌دادن N، فرستادن نامه و پیغام R، غزل سرودن Q، عاشق به اوج خواهش خود می‌رسد و نقش‌مایه نرم شدن Vn در معشوق شکل می‌گیرد. قهرمانان با نقش‌مایه وصال W قصه را به سر می‌رسانند.

تنها مورد متفاوت در آخرین کنش روایت، عشاق‌نامه عبید زاکانی است. با اینکه نقش‌مایه W را در ساختار کلی روایت آن می‌بینیم، پس از آن قهرمان گرفتار کنش ضد



قهرمان # می‌شود و عبید خواننده را با پایانی بسیار مدرن و باز در تعلیق رها می‌کند تا هم‌نوا با او برای رسیدن وی به معشوق دعا کند!

۳. تغییر در تعداد نامه‌ها و غزلها تفاوت معناداری در پیشبرد قصه ایجاد نمی‌کند؛ توضیح مهم اینکه نتایج برآمده از نامه و غزل است؛ کمیت نامه‌ها، که بین دو تا ۱۴ و غزلها که بین شش تا ۱۱ تاست، نقشی در کنش پایانی ندارد؛ وصال W برای ۱۴ نامه و دو نامه هر دو شکل می‌گیرد.

۴. پیک سنتی سراسر شعر و غزل فارسی، باد صبا همیشه در خدمتگزاری به عاشق و معشوق حاضر، و این بار نیز در خدمت قهرمانان ده‌نامه ادای وظیفه کرده است. باد صبا در هر هفت ده‌نامه اصلی، قاصد بوده است. تعداد پیکها در هر اثر از یک تا ده در نوسان است. محبوب‌القلوب حریری و محبت‌نامه این‌نصوح با ده پیک متفاوت از ماه، خورشید، شمع، گل، پروانه، بلبل، آب/ باد شمال، باد صبا، آینه و شانه بیشترین تنوع و نوآوری را در زمینه پیکها داشته‌اند. مضمون‌آفرینی شاعران این دو منظومه در گفتگوهای این پیکها با عاشق و معشوق از جذابیت‌های این دو اثر است.

این نکته نیز گفتنی است که پیکها صرفاً نقش‌مایه رساندن نامه/ پیام R را ایفا نمی‌کنند؛ این یاریگران به درد دل‌های Vd عاشق و معشوق گوش فرا می‌دهند؛ سرزنش‌های Vs معشوق را بر می‌تابند؛ عاشق و معشوق را پند Vz می‌دهند و کوتاه سخن اینکه نقش مؤثری در نرم شدن Vn دل معشوق و در نهایت کنش پایانی W به عهده دارند.

۵. به طور معمول در هر نامه درخواستی طرح می‌شود؛ ابراز عشق و طلب عشق در نامه‌های اول شروع می‌شود و در بخش میانی با طلب رحم از سوی عاشق ادامه می‌یابد که در پاسخ آن نامه‌های واکنشی معشوق با مفاهیم ردّ عشق، ترک عشق، اظهار بی‌نیازی و اجبار به تحمل جفای معشوق روبه‌رو می‌شود. کنشهای نرم شدن دل معشوق و تحت تأثیر پند قرار گرفتن از نقش‌ویژه‌های مایل به پایان روایت است که به کنش وعده یا مژده وصال منجر می‌شود و سرآخر به وصال می‌انجامد.

۶. کنشهایی که در ده‌نامه شاه شجاع هست کمی با کنشهای دیگر ده‌نامه‌ها متفاوت است. گرچه ارجاع برون‌متنی در پژوهش‌های با ادعای ساختگرایی چندان جایز نیست به طور قطع و یقین می‌توان مقام و موقعیت راوی را در خلق کنشهای خاص قهرمان قصه دخیل دانست. این مواضع پاشنه آشیل مطالعات ساختاری است. توضیح اینکه در روح-

العاشقین راوی - شاعر که شاه شجاع است به معشوق دستور می‌دهد که به شهر اقامتگاه او بیاید. معشوق که با معشوقهای دیگر روایتها فرقی ندارد در آغاز خودداری می‌کند و عاشق خشمگین می‌شود. واکنش خشمگین شدن VX نقش‌ویژه معشوق است نه عاشق.

پی‌نوشت

۱. ر.ک. به محبوبه خراسانی، درآمدی بر ریخت‌شناسی هزارویک‌شب (اصفهان: تحقیقات نظری، ۱۳۸۷).

2. origine
3. Race
4. Espece
5. Genre
6. Classification generique
7. Intertextualite

۸. جالب است که اولین ساقی‌نامه ترجیع‌بند را نیز عراقی سروده است (گلچین معانی، ۱۳۶۸: ۱۰؛ به نقل از ابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۲).

۹. در بررسی آثار معروف به ده‌نامه با دو گروه منظومه روبه‌رو بودیم: یک گروه آنهایی که در مرحله اولیه مشخص شد اساساً کوچکترین ارتباطی با ده‌نامه‌ها ندارند. دسته دیگر گروهی که ویژگیهای عمومی ده‌نامه‌ای را دارند. برای گزینش دقیقتر دسته دوم با کمک محک تحلیل ساختار و محتوا دانسته شد که از این گروه نیز برخی آثار، تمامی مشخصات این ژانر را ندارد، بنابراین با تاسی به گفته تودوروف، پس از آزمایش هر یک از منظومه‌ها و ناظر بودن بر اینکه آیا آنها با تعریف برآمده از این مطالعه همخوانی دارد یا نه به گزینش ده‌نامه‌های اصیل از ده‌نامه‌های منسوب پرداختیم و آثار جداشده از دسته دوم را جزو آثار ملحق به ژانر ده‌نامه دانستیم.

برای تشخیص دسته دوم، که گفته شد نشانه‌های ده‌نامه بودن را در خود داشتند، چند شرط لحاظ شده است: برخی از این شروط ایجابی و برخی دیگر اختیاری است. شروط ایجابی - یعنی واجب است تا اثری ده‌نامه تلقی شود - از نظر ما:

الف. تلفیق مثنوی و غزل

ب. روایی بودن

ج. پی‌ریزی پیرنگ اثر بر پایه مبادله نامه و پیغام

د. گفتمان عاشقانه است. اگر در اثری این چهار شرط نباشد، جزو نوع ادبی ده‌نامه قرار نمی‌گیرد.

10. open end

منابع

۱. ابن عماد خراسانی؛ *نسخه خطی روضه‌المحبین*؛ دارالکتب قاهره؛ ش. ۹۸ م، فیلم در دانشگاه تهران؛ ش. ۲۶۹۶، ۸۶۱ ق.
۲. _____؛ *روضه‌المحبین (ده‌نامه)*؛ تصحیح سعید نفیسی؛ تهران: مؤسسه خاور، ۱۳۱۴ ق.
۳. ابن نضوح فارسی؛ *نسخه خطی محبت‌نامه*؛ ملک (بی‌انجام)؛ ش. ۴۹۲۵/۱۴، تهران: کتابخانه ملک، ۸۴۲.
۴. ابوالقاسمی، سیده مریم؛ *تأملی بر ساقی‌نامه حکیم فغفور گیلانی*؛ پژوهشنامه علوم انسانی؛ ش. ۵۴، تابستان، ۱۳۸۶.
۵. امیر حسینی هروی، فخرالسادات سید رکن‌الدین حسین ابن عالم؛ *مثنوی‌های عرفانی امیرحسینی هروی*؛ تصحیح سید محمد ترابی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۶. اوحدی مراغه‌ای، اوحدالدین ابن حسین؛ *کلیات دیوان اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای*؛ تصحیح سعید نفیسی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰.
۷. _____؛ *نسخه خطی منطق‌العشاق*؛ موزه بریتانیا؛ ۵۳۲۱/۴۰، لندن: کتابخانه بریتانیا، فیلم در دانشگاه تهران؛ ش. ۷۱۰، ۸۱۸ ق.
۸. باقری، مهری؛ «روح‌العاشقین یا ده‌نامه شاه شجاع»؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ ش. ۱۱۸، تابستان، ۱۳۵۶.
۹. پراپ، ولادیمیر؛ *ریخت‌شناسی قصه*؛ ترجمه مدیا کاشی‌گر؛ تهران: نشر روز، ۱۳۶۸.
۱۰. تفضلی، احمد؛ *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*؛ به کوشش ژاله آموزگار؛ تهران: نشر سخن، ۱۳۷۶.
۱۱. حریری؛ *نسخه خطی محبوب‌القلوب یا ده‌نامه حریری*؛ کتابخانه ملی پاریس؛ S.p. 1531/2؛ فیلم آن [با نام اشتباهی صحبت‌نامه همام تبریزی] در دانشگاه تهران؛ ش. ۱۳۱۱، ۸۱۶ ق.
۱۲. خان محمدی، علی اکبر؛ «ده‌نامه‌سرایی یک نوع ناشناخته در زبان فارسی»؛ *گلچرخ*، ش. ۲۱، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۷۸.
۱۳. رکن صائن سمنانی، رکن‌الدین ابن صائن‌الدین؛ *نسخه خطی ده‌نامه یا تحفه‌العشاق*؛ ملک؛ ش. ۴۷۵۱/۶، تهران: کتابخانه ملک، ۸۷۶ ق.

۱۴. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات ایران؛ ج. ۵، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۱.
۱۵. عابدینی، حسن؛ صد سال داستان‌نویسی در ایران، ج. ۲، تهران: نشر تندر، ۱۳۶۸.
۱۶. عارفی هروی، محمود؛ نسخه خطی گوی و چوگان؛ ش. ۱/۲۳۴۵؛ تهران: کتابخانه مجلس، قرن ۹.
۱۷. عبید زاکانی، نظام‌الدین عبیدالله؛ کلیات عبید زاکانی؛ تصحیح و مقدمه عباس اقبال آشتیانی (از روی نسخه مجله ارمان)؛ تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۳۴.
۱۸. عراقی، فخرالدین ابراهیم؛ دیوان عراقی؛ با مقدمه سعید نفیسی؛ ج. هفتم، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۳.
۱۹. عماد فقیه کرمانی؛ نسخه خطی ده‌نامه (نصیحت‌نامه)؛ ایاصوفیا؛ ۱/۱۳۱، فیلم در دانشگاه تهران؛ ش. ۱۲۶، ۸۴۱ ق.
۲۰. عیوضی، رشید؛ «ده‌نامه‌گویی در ادب پارسی و ده‌نامه حریری»؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش. ۱۱۶، پاییز، ۱۳۵۴.
۲۱. عیوضی؛ ورقه و گلشاه؛ به تصحیح ذبیح‌الله صفا؛ ج. دوم؛ تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲.
۲۲. کهنمویی‌پور، ژاله؛ نسرین‌دخت خطاط؛ علی افخمی؛ فرهنگ توصیفی نقد ادبی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. گرین، ویلفرد و دیگران؛ مبانی نقد ادبی؛ ترجمه فرزانه طاهری؛ تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۷۶.
۲۴. گلچین معانی، احمد؛ تذکره پیمانہ؛ تهران: انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۸.
۲۵. مستور، مصطفی؛ حکایت عشقی بی‌قاف بی‌شین بی‌نقطه؛ ج. پنجم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۵.
۲۶. مورینسن، جرج؛ جولیان بالدیک؛ محمدرضا شفیعی کدکنی؛ تاریخ ادبیات از آغاز تا امروز؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران: نشر گستره، ۱۳۸۰.
۲۷. وبستر، راجر؛ «روایت و زبان»؛ ترجمه محبوبه خراسانی؛ ماه‌نامه ادبیات داستانی، شماره ۸۲، سال سیزدهم، مرداد ۱۳۸۳.
۲۸. ولک، رنه؛ آستین وارن؛ تاریخ نقد جدید؛ ترجمه سعید ارباب شیرانی؛ ج. ۱، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۳.
۲۹. همام تبریزی، همام‌الدین علاء؛ دیوان همام تبریزی؛ تصحیح رشید عیوضی؛ ج. دوم، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۰.
30. Bathes, Roland; Introduction to the Structural Analysis of Narratives, in Image – music – Text, Fontan, London, 1977.
31. Bremond, Clude ; Logique du reci, Sueil, Pari, 1973.
32. Webster, Roger; Studying literary Theory, an Introduction, Arnold Press, 1993.

